

مسئولیت کیفری ناظر از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری

افغانستان و ایران

عادل ساریخانی^۱ | مهدی طاهری^۲

چکیده

منظور از ناظر قتل کسی است که صحنه وقوع قتل را مشاهده می‌کند و به‌رغم توان بر نجات مقتول، هیچ نوع اقدامی انجام نمی‌دهد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی مسئولیت کیفری ناظر را در فقه و حقوق کیفری ایران و افغانستان مورد بحث قرار داده است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که به لحاظ فقهی چنانچه ناظر نقش دیدبانی را دارد و به‌نوعی با مباشر همکاری می‌کند، از باب معاونت در قتل مسئولیت کیفری داشته و مجازات آن کورکردن است. حقوق کیفری ایران و افغانستان نیز این مورد را به معاونت ملحق کرده، ولی مجازات خاصی تعیین نکرده است؛ اما در خصوص ناظر غیر دیدبان در فقه سه دیدگاه وجود دارد: مسئولیت کیفری مطلق، عدم مسئولیت کیفری و تفصیل بین فرض داشتن مسئولیت قانونی نجات مقتول و عدم آن. در حالت اول مطابق فقه و حقوق کیفری ایران و افغانستان ترک فعل و نظارت صحنه قتل، معاونت معنوی محسوب شده، ناظر قابل مجازات هست. در حالت دوم، فقها قائل به عدم مسئولیت کیفری هستند، ولی حقوقدانان به این باورند که اگر بین نظارت ناظر و نتیجه مجرمانه علیت و سببیت وجود داشته باشد، ناظر مسئول است، در غیر آن مسئولیتی ندارد.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری ایران و افغانستان، فقه اسلامی، ناظر دیدبان، ناظر غیر دیدبان، مسئولیت کیفری.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۲. مدرس مدرسه علمیه جعفریه هرات و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کیفری عمومی، بحث همکاری در ارتکاب فعل مجرمانه است. این همکاری می‌تواند به صورت‌ها و روش‌های متعددی تحقق پیدا کند. حقوق دانان صور تحقق جرم را شامل مباشرت، مشارکت، معاونت و تسبیب می‌دانند. در مباشرت فرد در انجام فعل مجرمانه به صورت مستقل و بدون مداخله دیگری فعل را محقق می‌سازد که در این صورت مسئولیت کیفری نیز متوجه مباشر خواهد بود. چون در حالت مباشرت حکم مسئله روشن است، خیلی جای بحث باقی نمی‌ماند؛ اما در صورتی که بیش از یک نفر یا عامل در تحقق فعل مجرمانه دخیل باشد در این صورت بحث تعیین مجازات و میزان مسئولیت هرکدام از شرکا مطرح می‌گردد. بحث مباشرت، مشارکت، معاونت و تسبیب در نظام جزایی اسلام به صورت مفصل و با جزئیات مورد بحث قرار گرفته است. در نظام کیفری ایران و افغانستان نیز این مباحث به صورت کلی مطرح شده است، اما قانون‌گذار ایران و افغانستان مصادیق و موارد هرکدام را به صورت مشخص بیان نکرده‌اند. در برخی موارد عدم بیان مصادیق، باعث ابهام در قانون شده و زمینه تفسیرهای متفاوت را از متن قانون فراهم نموده است. به گونه‌ای که اکثر حقوق دانان این عدم بیان را در حکم سکوت دانسته و به این باورند که چون قانون‌گذار سکوت نموده، پس بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها باید تفسیر مضیق از قانون ارائه نمود.

یکی از مواردی که در فقه اسلامی به صورت مفصل و کامل مورد بحث قرار گرفته، مسئولیت کیفری، ناظر و دیدبان است. منظور از ناظر کسی است که در صحنه قتل حضور دارد، ولی هیچ‌گونه کاری برای نجات مقتول انجام نمی‌دهد و منظور از دیدبان کسی است که برای قاتل نگهداری می‌دهد تا از آمدن پلیس یا افراد او را با خبر سازد. بدین صورت ملاحظه می‌شود که هرکدام از این دو دسته افراد به نحوی در تحقق فعل مجرمانه دخالت دارند. در فقه اسلامی هر دو مورد تحت عنوان معاونت در جرم مورد بحث قرار گرفته‌اند. در حالی که در نظام جزایی ایران و افغانستان در این خصوص رویکرد روشنی وجود ندارد. با توجه به اینکه قانون‌گذار ایران در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی و قانون‌گذار افغانستان در ماده ۵۸ و ۵۹ کد جزا به بحث معاونت در جرم پرداخته و شرط تحقق آن عدم دخالت معاون در



عنصر مادی جرم دانسته، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در حقوق کیفری ایران و افغانستان کسی که صحنه قتل عمد را نظارت و مشاهده می‌کند اما با وجود قدرت بر نجات مقتول از اقدام برای نجات او خودداری می‌کند، از مصادیق معاونت در قتل محسوب می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد بررسی پاسخ این مسئله نیازمند مطالعه تطبیقی مسئولیت ناظر از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران و افغانستان باشد. ناظر یا مشاهده‌کننده قتل عمد به دو صورت قابل تصور است. یکی اینکه ناظر به عنوان دیدبان و همکار مرتکب است و دیگر اینکه ناظر صرف است. با توجه به این دو فرض پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از روش تحقیق تحلیلی- توصیفی با رویکرد مطالعات تطبیقی ابتدا مسئولیت کیفری ناظر دیدبان را مورد بررسی قرار داده، بعداً به بررسی فرض‌های قابل تصور ناظر غیر دیدبان پردازد.

۱. مسئولیت کیفری ناظر دیدبان

در حقوق کیفری اسلام، متکی به روایات وارده این باب تردیدی وجود ندارد که عنوان معاونت در جرم در خصوص کسی که دیدبانی می‌دهد تا قاتل، دیگری را به قتل برساند، صدق می‌کند و قابل مجازات است. فقها این مورد را به عنوان یکی از مصادیق معاونت در قتل مورد بررسی قرار داده‌اند. شیخ طوسی در این خصوص چنین آورده است: «إذا كان معهم ردء ينظر لهم، فإنه يسمل عينه، ولا يجب عليه القتل» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۴). اما در حقوق کیفری ایران و افغانستان بحث روشنی در این زمینه وجود ندارد. لذا چنانچه بخواهیم مسئولیت کیفری دیدبان را تعیین کنیم به نظر می‌رسد، باید مقررات کلی بحث معاونت در جرم را مد نظر داشته باشیم.

اگر چنانچه ناظر دیدبان را معاون جرم قلمداد کنیم مسئله‌ای که ممکن است مطرح شود این است که مجازات آن را چگونه باید محاسبه کرد. درواقع مسئله این است که معیار تخفیف یک درجه‌ای مجازات چیست؟ مشهور فقهای امامیه مجازات ناظر دیدبان را تسمیل دانسته‌اند (تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۸). منظور از تسمیل کور کردن ناظر دیدبان است. مستند این قول نیز روایتی است که در خصوص مجازات ناظر دیدبان توسط امام علی بیان شده است: «سه متهم را نزد امیرالمؤمنین آوردند که یکی از آنها شخصی را گرفته و



دومی آن را می‌کشد و شخص سومی نظاره‌گر این صحنه بوده است. حضرت علی در مورد ناظر به کور کردن چشم حکم کرد و ممسک را محکوم به حبس ابد نمود و قاتل را به قصاص محکوم نمود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲۸۸/۷). شیخ صدوق و شیخ طوسی نیز به این روایت استناد کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱۱۸/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲۱۹/۱۰). هرچند در این روایت واژه «ناظر» به صورت مطلق استعمال شده که شامل ناظر غیر دیدبان نیز می‌شود، اما مشهور فقهای امامیه منظور از کلمه ناظر در این روایت را به ناظر دیدبان اختصاص داده است. دلیلی که در این زمینه ارائه شده این است که در نقل این روایت در کتاب دعائم الاسلام عبارت «لئلا یاتیهم احد» آمده است که بیانگر آن است که شخص مذکور وظیفه دیدبانی را داشته است و صرف نظارت صحنه قتل نبوده است (نوذری فردوسی، رستمی قفس آبادی و جهانی، ۱۴۰۱: ۱۷۳؛ علیشاهی قلعه جوقی و کریمی، ۱۳۹۸: ۵۸). مشهور فقهای امامیه نیز به این باورند که مجازات کورکردن اختصاص به همین مورد ناظر دیدبان دارد. لذا صرف مشاهده صحنه قتل را شامل نمی‌شود (سلار، ۱۴۰۴: ۲۳۸؛ حلی، ۱۴۱۳، ۲/۲۸۳).

بنابراین در فقه هرچند عنوان معاونت را در خصوص ناظر دیدبان به کار می‌برند، اما مجازات مشخصی را در خصوص آن مدنظر قرار می‌دهند. درحالی که در حقوق کیفری ایران و افغانستان مجازات ناظر دیدبان بر اساس مقررات بخش معاونت تعیین شده و تفاوتی بین ناظر دیدبان و سایر معاونت‌ها وجود ندارد. درواقع این یک نوع رویکرد دوگانه فقه و حقوق موضوعه در ایران و افغانستان است. درحالی که ادعای قانون‌گذار هردو کشور متابعت از قوانین کیفری اسلام است، اما در عمل دیده می‌شود که در برخی موارد نظام جزایی دوگانه وجود دارد.

۲. مسئولیت کیفری ناظر غیر دیدبان

یکی از مسائلی که در فقه اسلامی مورد بحث قرارگرفته مسئله ناظر یا کسی است که صحنه قتل را مشاهده می‌کند، اما هیچ کاری برای نجات مقتول انجام نمی‌دهد. فقهای اسلامی در خصوص اینکه آیا چنین فردی مسئولیت کیفری دارد یا خیر اختلاف نظر دارند. از مجموع آرای فقها می‌توان چنین استنباط نمود که در مورد مسئولیت کیفری ناظر سه دیدگاه وجود



دارد. برخی ناظر را به صورت مطلق فاقد مسئولیت کیفری دانسته‌اند، گروهی آن در نقطه مقابل قائل به مسئولیت مطلق ناظر شده‌اند و برخی نیز بین ناظر مسئول و غیرمسئول تفکیک قائل شده‌اند. برای توضیح بیشتری این مسئله هرکدام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. نظریه مسئولیت مطلق ناظر غیر دیدبان

برخی از فقها بدون اینکه بین ناظر دیدبان و غیر دیدبان تفکیک قائل شود، صرف حضور در صحنه قتل و عدم اقدام برای نجات مقتول را موجب مسئولیت کیفری دانسته‌اند. مستند این قول عموم روایاتی است که دال بر مسئول بودن ناظرند (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲/ ۴۶۸). در واقع مبنای این نظریه توسعه واژه ناظر است که در برخی روایات آمده است. بدین صورت که ناظر را اعم از ناظری که قصد همکاری و مساعدت به قاتل را دارد و ناظری که قصد مساعدت ندارد دانسته‌اند. به نظر می‌رسد چنین برداشتی از مفهوم واژه ناظر حداقل خلاف فهم عرفی باشد. زیرا عرف بین فردی که به قصد همکاری با قاتل صحنه قتل را مشاهده می‌کند و بین فردی که بدون قصد همکاری شاهد صحنه قتل است تفاوت قائل می‌شود. مگر اینکه ادعا شود، مفهوم ناظر در روایات توقیفی است که اثبات چنین ادعایی نیز مشکل به نظر می‌رسد. بنابراین نظریه مسئولیت مطلق ناظر نه تنها با عقل و منطق سازگاری ندارد، بلکه مورد تائید عرف نیز نیست. ضمن اینکه ممکن است ادعا شود که ناظر قصدش از مشاهده صحنه قتل این بوده که بعداً علیه قاتل شهادت بدهد که این صورت مسئول دانستن او جدا با مشکل مواجه خواهد شد.

۲-۲. نظریه عدم مسئولیت کیفری ناظر غیر دیدبان

مشهور فقهای امامیه قائل به عدم مسئولیت ناظر غیر دیدبان است و بسیاری از فقها به این مسئله تصریح کرده‌اند. مبنای این نظریه در حقیقت پاسخ به این مسئله است که آیا در تحقق عنوان معاونت وحدت قصد بین معاون و مباشر شرط است یا خیر؟ چنانچه پاسخ به این سؤال مثبت باشد، ناظری که قصد همکاری و مساعدت به قاتل را ندارد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. مشهور فقهای امامیه چون وحدت قصد را شرط تحقق معاونت در قتل می‌دانند، قائل به عدم مسئولیت کیفری ناظر است (مفید، ۱۴۱۳، ۷۴۵؛ طوسی،

۱۴۰۰، ۷۴۴؛ حلی، ۱۴۲۰، ۵۱۴/۲؛ مدنی، ۱۴۱۷، ۱۵؛ اردبیلی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۴۹).
از نظر مشهور فقهای امامیه مجازات کور کردنی که در خصوص ناظر بیان شده، دلالت بر ناظری می‌کند که با قاتل قصد همکاری و مساعدت داشته است. لذا بین دیدبان و ناظر تفاوت وجود دارد. لذا برخی از فقهای امامیه در این خصوص چنین تصریح کرده‌اند: «هرگاه شخصی انسانی را در مهلکه‌ای ببیند و با قدرت بر نجات او از این کار صرف نظر کند، هیچ‌گونه ضمانتی متوجه او نخواهد بود» (علامه، ۱۴۲۰، ج ۵/۵۵۱). استدلالی که در مورد این دیدگاه مطرح می‌شود این است که صرف مشاهده صحنه قتل امر عدمی است. لذا امر عدمی نمی‌تواند موجب امر وجودی باشد. به همین دلیل صرف مشاهده که ترک فعل و امر عدمی است، دلیلی بر مسئولیت کیفری که امر وجودی است، تلقی شده نمی‌تواند. اما چنین استدلالی قابل نقض است. زیرا در بسیاری از موارد صرف ترک فعل موجب مسئولیت کیفری است (میر محمدصادقی، ۱۳۹۶: ۴۵). ضمن اینکه چنین طرز تلقی از رفتار ناظر مبتنی بر دقت فلسفی عقلی است. درحالی که مبنای جرم انگاری نگاه عرفی است. بنابراین در صورتی که به لحاظ عرفی بین دو چیز رابطه علیت و سببیت شکل بگیرد، برای مسئولیت کیفری کافی است. علاوه بر اینکه برخی از فقها به نحوی تسبیب عدمی را نیز پذیرفته‌اند (شوشتری، ۱۴۲۷، ج ۲/۱۶۰). شاید بتوان گفت مهم‌ترین استدلال برای اثبات نظریه عدم مسئولیت کیفری ناظر غیر دیدبان این باشد که صرف نظارت موجب ظن به مسئولیت می‌شود و هر جا ظن به مسئولیت حاصل شود، اصل عدم مسئولیت است. بنابراین عدم مسئولیت ناظر از باب تسبیب عدمی و وجودی نیست، بلکه از باب عدم دلیل و عدم یقین به مسئولیت است.

قانون‌گذار ایران به پیروی از رأی مشهور فقهای امامیه، وحدت قصد را در تحقق معاونت در جرم شرط دانسته است. هرچند در خصوص مسئولیت کیفری ناظر حکم روشنی بیان نکرده است، اما از معیار و ملاک تحقق معاونت می‌توان چنین استنباط نمود که ناظری که نقشی در تحقق جرم نداشته و رفتارش عرفاً معاونت در جرم محسوب نشود، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. در رأی شماره ۲۵۰۴-۱۳۷۱/۱۱/۶ دیوان عالی کشور ایران نیز بر عدم مسئولیت کیفری کسی که صرفاً صحنه جرم را مشاهده می‌کند، تأکید شده است:



«سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب بزه را نمی‌شود معاونت تلقی کرد. بنابراین، اگر کسی در حضور دیگری، مرتکب قتل شود و شخص حاضر با امکان جلوگیری سکوت اختیار کنند شخص حاضر مستوجب هیچ‌گونه مجازاتی نیست».

قانون‌گذار افغانستان نیز در خصوص مشاهده‌کننده‌ی که برای نجات مقتول کاری انجام نمی‌دهد، حکم روشنی ندارد. بلکه برای به دست آوردن حکم این مسئله باید دید که آیا عنوان معاونت بر چنین فردی دلالت می‌کند یا خیر؟ هرچند فقهای حنفی و قانون‌گذار افغانستان به صورت روشن به مسئله وحدت قصد بین قاتل و معاون اشاره نکرده است، اما از ظاهر ماده ۵۹ کد جزای افغانستان این گونه برداشت می‌شود که عنوان معاونت بر کسی که صحنه قتل را مشاهده می‌کند ولی هیچ اقدامی برای نجات مقتول انجام نمی‌دهد، صدق نمی‌کند (شرح کد جزا، ۱۳۹۸: ۱۴۵). زیرا قانون‌گذار افغانستان معاونت را از باب سببیت می‌داند. لذا بدون تحقق سببیت بین رفتار ناظر و مردن مقتول، مسئولیتی متوجه ناظر نخواهد بود (علامه، ۱۳۹۶: ۸۷).

بنابراین بر اساس رأی مشهور فقهای امامیه و حقوق کیفری ایران و افغانستان کسی که بدون قصد همکاری با قاتل صرفاً ارتکاب قتل توسط دیگری را مشاهده می‌کند و به رغم توان بر جلوگیری، هیچ نوع اقدامی برای نجات مقتول انجام نمی‌دهد، مسئولیت کیفری ندارد. اما به نظر می‌رسد چنین نتیجه‌گیری و استنباطی از مواد قانون ایران و افغانستان برداشت نادرست و ناقص باشد. زیرا در حقوق کیفری ایران و افغانستان مواردی وجود دارد که ناظر حتی در صورتی که نقش دیدبان را بازی نکند، مسئولیت کیفری دارد و قابل مجازات دانسته می‌شود. تازه بر اساس احکام فقهی و احکام تکلیفی که در خصوص حرمت عدم کمک برای نجات مؤمن در آیات و روایات بیان شده می‌توان گفت، مبنای رأی مشهور فقهای امامیه مبتنی بر عدم مسئولیت ناظر دچار اشکال و قابل خدشه است. لذا این نظریه نه تنها از بعد عقلانی و منطقی قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد، بلکه از لحاظ مبانی دینی نیز قابل دفاع نیست. زیرا اگرچه امکان اعمال مجازات ناظر دیدبان در خصوص ناظر غیر دیدبان وجود ندارد، اما این دلیل نمی‌شود که مسئولیت‌های دیگری نیز متوجه ناظر نباشد. حداقل چیزی که می‌توان در این خصوص گفت این است که شخص ناظری که توان نجات مقتول



را دارد، اما هیچ اقدامی برای نجات او انجام نمی‌دهد، مرتکب کار حرامی شده که ارتکاب حرام نیز خود می‌تواند یکی از موجبات تعزیر باشد. لذا برخی از فقها بین اینکه ناظر قتل وظیفه قانونی بر دفاع و نجات مقتول داشته باشد یا خیر تفاوت قائل شده‌اند که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۲. نظریه تفصیل بین ناظری که وظیفه قانونی دارد با ناظری که وظیفه قانونی ندارد

یکی از دلایل که مشهور فقهای امامیه در خصوص عدم مسئولیت ناظر غیر دیدبان مطرح کردند، این بود که رفتار ناظر ترک فعل محسوب می‌شود و ترک فعل امر عدمی است، لذا امر عدمی نمی‌تواند موجب امر وجودی که مسئولیت کیفری باشد گردد. در پاسخ به این مسئله قبلاً نیز اشاره کردیم که اولاً عرف چنین دقت عقلی را نمی‌پذیرد، ثانیاً در بسیار موارد ترک فعل موجب مسئولیت کیفری است. لذا برخی از فقها و حقوقدانان در خصوص مسئولیت کیفری ناظر بین زمانی که ناظر وظیفه قانونی برای نجات جان مقتول دارد و بین زمانی که چنین وظیفه‌ای ندارد، تفکیک قائل شده‌اند. این مسئله در واقع بر می‌گردد به چگونگی رابطه بین ناظر و مقتول. در این فرض رابطه ناظر و مقتول به دو صورت قابل تصور است. یکی اینکه ناظر هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال جان مقتول ندارد، دیگر اینکه ناظر مسئول حفظ جان مقتول است یا به صورت قانونی یا به صورت قراردادی و یا به صورت عرفی. در صورت اول نیز باید دید آیا رفتار و مشاهده صرف ناظر از مقدمات نزدیک قتل محسوب می‌شود یا خیر؟ آیا عرف چنین ناظری را مسئول می‌داند یا خیر؟ برای بیان پاسخ این سؤال‌ها در این قسمت هرکدام از دو حالت فوق را با فروعات آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۳-۲. مسئولیت کیفری ناظری که در قبال مقتول وظیفه محافظت دارد

مسئولیت حفاظت مقتول توسط ناظر ممکن است به یکی از سه صورت قانونی، عرفی و قراردادی باشد. در هر سه صورت اینکه قائل به عدم مسئولیت کیفری ناظر باشیم، امر دشوار و غیر قابل پذیرش به نظر می‌رسد. زیرا در این صورت ترک فعل خود موجب مسئولیت کیفری است. بنابراین در صورت که به لحاظ وظیفه قانونی، یا قرارداد و یا عرف شخص مسئول حفاظت از مقتول باشد، اما با سوءنیت اقدامی برای نجات جان او انجام ندهد، در واقع مرتکب جرم ناشی از ترک فعل شده است. به همین دلیل امکان اینکه رابطه سببیت



بین این ترک فعل و نتیجه حاصل از جرم برقرار شود وجود دارد و بدین ترتیب می‌توان گفت که ناظر مسئولیت کیفری خواهد داشت. لذا برخی از فقهای امامیه در این صورت قائل به مسئولیت کیفری ناظر هستند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱/۳۸۸).

قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری ناظری که وظیفه قانونی داشته باشد را به رسمیت شناخته چنین آورده است: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده‌گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را برعهده‌گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند». همچنین در تبصره ۲ ماده ۵۱۴ قانون مذکور در خصوص مسئولیت کیفری مسئولین و افراد در قبال آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی چنین آمده است: «افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این گونه حوادث را بر عهده‌دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند». به همین ترتیب در تبصره ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی ایران در مورد مسئولیت کیفری ناشی از ترک فعل درجایی که وظیفه قانونی وجود داشته باشد، چنین آمده است: «کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفاء وظایف قانونی خود امتناع نمایند». مطابق حقوق کیفری افغانستان نیز درجایی که ناظر وظیفه قانونی برای حفاظت از مقتول داشته باشد، اما کاری برای نجات او انجام ندهد، قابل مجازات هست.

بنابراین مطابق حقوق کیفری ایران و افغانستان درجایی که ناظر مسئولیت قانونی برای نجات مقتول داشته باشد، قابل مجازات هست، هرچند که با قاتل وحدت قصد نیز نداشته باشد و نقش دیدبانی را نیز بازی نکند. زیرا در این صورت ناظر با عدم مداخله خود، وقوع جرم را تسهیل نموده، لذا عنوان معاونت در جرم بر او صدق می‌کند. اما مسئله‌ای که ممکن است مطرح شود این است که اگر فردی که وظیفه قانونی دارد، ناظر صحنه قتل باشد و از روی غفلت و بی‌احتیاطی اقدامی برای نجات مقتول انجام ندهد، بازهم مسئولیت کیفری



خواهد داشت یا خیر؟ در این خصوص دیدگاه‌های مختلفی از سوی حقوق‌دانان و فقها مطرح شده است. برخی به این باورند که در صورتی که ترک فعل ناظر از روی سهل‌انگاری و غفلت باشد، عنوان معاونت صدق نمی‌کند، اما حسب مورد ناظر ضامن جنایت خواهد بود (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱/۱۹۸). منظور از اینکه فرد معاون محسوب نمی‌شود، شاید این باشد که اثبات وحدت قصد امکان‌پذیر نیست. بلکه خود فرد ضامن قلمداد می‌شود. تفاوت اینکه این ضمانت از باب معاونت باشد یا به صورت مستقل در این است که اگر معاونت صدق کند، مسئولیت ناظر اعاره‌ای خواهد بود. یعنی تابع مسئولیت مرتکب محسوب می‌شود. اما اگر معاونت صدق نکند، مسئولیت ناظر ربطی به مسئولیت مرتکب نخواهد داشت.

اما برخی دیگر به این باورند که حتی در فرض سهل‌انگاری و غفلت نیز عنوان معاونت در جرم صدق می‌کند. چون ناظر وظیفه داشته برای نجات مقتول اقدامی انجام دهد، اما این وظیفه خود را ترک نموده که همین ترک وظیفه باعث تسهیل ارتکاب جرم شده است. عرف نیز چنین حالتی را قابل مجازات می‌داند (میر محمدصادقی، ۱۳۹۶: ۳۰). به نظر می‌رسد الحاق ترک فعل ناشی از سهل‌انگاری به مسئله معاونت در جرم در حقوق کیفری ایران مشکل باشد. زیرا چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، شرط تحقق معاونت در جرم وحدت قصد بین معاون و فاعل اصلی است. درحالی‌که در این صورت ناظر ممکن است قصد همکاری و همراهی با فاعل را نداشته باشد. لذا مسئولیت ناظر نه از باب معاونت در جرم بلکه از باب ترک وظیفه قانونی باید باشد. به عبارت دیگر مجازاتی که بر ناظر در فرض غفلت و سهل‌انگاری اعمال می‌گردد، مجازات معاون جرم نیست. بلکه مجازات مستقلی است که قانون‌گذار در این مورد خاص پیش‌بینی کرده است. به دلیل اینکه حتی اگر جرم ناشی از حوادث طبیعی باشد، بازهم ناظر که وظیفه قانونی دارد، قابل مجازات است. درحالی‌که اگر فرض معاونت درست باشد، چون عامل اصلی یعنی حادثه طبیعی مسئولیت کیفری ندارد، پس معاون که فرد ناظر هست نیز نباید مسئولیت کیفری داشته باشد.

اما در حقوق کیفری افغانستان پاسخ این مسئله فرق می‌کند. بدین صورت که قانون‌گذار افغانستان معاونت در جرم را از باب تسبیب دانسته است. لذا در تسبیب اولاً وحدت قصد شرط نیست، ثانیاً امکان اینکه عامل اصلی جنایت حادثه طبیعی یا حیوان باشد و معاون



فرد انسانی باشد، نیز وجود دارد (نبوی، ۱۳۹۵: ۶۷). لذا ممکن است ناظری که وظیفه قانونی برای حفاظت از مقتول را به عهده داشته، اما در هنگام غرق شدن مقتول با وجود اینکه توان بر نجات او را داشته، هیچ اقدامی نمی‌کند، معاون محسوب شود. ولی در این فرض نیز اشکالی که مطرح می‌شود این است که میزان تعیین مجازات ناظر چگونه خواهد بود. درحالی‌که باید مجازات فاعل اصلی مشخص باشد تا بتوانیم معاون را به یک درجه کمتر از او محکوم نماییم. لذا به نظر می‌رسد از منظر حقوق کیفری افغانستان معاونت در فرض سهل‌انگاری و غفلت در برخی موارد قابل اثبات و دفاع نباشد.

۲-۳-۲. در صورتی که ناظر وظیفه قانونی در قبال مقتول نداشته باشد

در نگاه ابتدای شاید چنین به نظر برسد که ناظری که وظیفه دیدبانی را ندارد و هیچ‌گونه وظیفه قانونی یا قراردادی در قبال نجات مقتول نیز به عهده ندارد، نباید به صرف نظارت و مشاهده صحنه قتل قابل مجازات پنداشته شود. اما مسئله به این سادگی نیست. بلکه در این خصوص نیز صور و مواردی وجود دارد که ممکن است عنوان معاونت در قتل بر ناظر غیر دیدبان صدق کند. بدین صورت که گاهی ممکن است نوع ارتباطی که بین ناظر و مقتول وجود دارد، از نظر عرف برای ناظر وظیفه ایجاد کند یا ممکن است مشاهده جنایت مصداق یکی از اسباب نزدیک در وقوع جرم محسوب شود که هر دو صورت از نظر عرفی مشاهده کنند مسئولیت کیفری خواهد داشت (نوذری فردوسی، رستمی قفس آبادی و جهانی، ۱۴۰۱: ۱۷۷). برای مثال در فرضی که حضور ناظرین موجب تشویق و ترغیب قاتل شود یا ناظر باعث جری‌تر شدن قاتل شود، تردیدی وجود ندارد که عنوان معاونت در جرم صادق است و ناظر مسئولیت کیفری خواهد داشت. چنانکه برخی از حقوقدانان به این مسئله چنین تصریح کرده‌اند: «خویش‌داری به منظور تسهیل وقوع جرم و یا خودداری از منع ارتکاب جرم که از آن افاده تحریک یا ترغیب شود ممکن است نوعی معاونت تلقی شود» (اردبیلی، ۱۳۹۸، ج ۱/۴۹). فرض دیگر نیز این است که حضور نظارت‌کننده صحنه جرم مانع به موقع رسیدن نیروهای امداد شود که در این صورت چنانچه حضور شخص در صحنه جرم عمدی باشد، ممکن است باعث مسئولیت کیفری او شود. زیرا ناظر با حضور خود به نوعی در تحقق نتیجه جرم با مجرم همکاری و مساعدت نموده است.



بنابراین معیار اینکه ناظر غیر دیدبان حتی در فرض عدم وجود وظیفه قانونی و قراردادی به عنوان معاون محسوب شود، رابطه علیت بین رفتار ناظر و تحقق نتیجه مجرمانه است. لذا حتی در صورتی که این رابطه یک نوع رابطه بعید هم باشد، ممکن است عنوان معاونت صادق باشد. زیرا در این صورت هر چند وحدت قصد صریح وجود ندارد، اما وحدت قصد معنوی قابل تصور است. بدین صورت که اولاً ممکن است نفس نظارت موجب قوت قلب مرتکب شود و او را در فعل مجرمانه اش تشویق و ترغیب نماید. ثانیاً روایتی که در مورد مسئولیت ناظر قبلاً بیان شد، اطلاق دارد و ناظر غیر دیدبان را نیز شامل می شود.

اما در صورتی که رابطه ای بین نظارت ناظر غیر دیدبان و نتیجه رفتار مجرمانه رابطه و علیتی هر چند بعید وجود نداشته باشد، عرف و عقلاً چنین نظارتی را قابل مجازات نمی داند. به ویژه اینکه امروزه با توسعه و گسترش جوامع امکان اینکه فردی با صحنه قتل مواجه شود و از روی غفلت یا صرفاً تفنن به تماشای آن پردازد خیلی زیاد است. در حالی که برخی حتی در این صورت نیز قائل به مسئولیت کیفری ناظر غیر دیدبان است. بدین صورت که مسئولیت کیفری آن را نه باب معاونت در قتل بلکه از باب تسبیب مورد بحث قرار داده اند. این فرض در صورتی درست است که تسبیب به صورت سلبی را قبول داشته باشیم. چنانکه برخی به این مسئله چنین تصریح کرده اند: «تسبیب به صورت سلبی یا از طریق ترک عمل، در مواردی صدق می کند که انجام عملی برای حفظ مال یا جان کسی لازم باشد و شخص از انجام آن عمل بازدارنده از اتلاف سرباز زند» (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). برخی دیگر مسئولیت ناظر در این صورت را نه به خاطر نقش او در قتل بلکه از باب ارتکاب فعل حرام قابل تعزیر دانسته اند. در واقع صرف اینکه شخصی با وجود توان بر جلوگیری از وقوع یک کار حرام آن را ترک می کند، از مصادیق رفتارهای حرام موجب تعزیر محسوب می شود. لذا حاکم شرع می تواند چنین افرادی را تعزیراً مجازات نماید (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱/ ۵۶۶). این دیدگاه در فرضی درست است که نظارت صحنه قتل را مصداق فعل حرام بدانیم. در غیر این صورت مجازات شخص به صرف نظارت صحنه قتل بدون اینکه بین این نظارت و تحقق نتیجه مجرمانه رابطه علیت و سببیت وجود داشته باشد، از نظر عرف و عقلاً امر غیر قابل قبولی پنداشته می شود.

نتیجه گیری

یکی از مسائلی که در فقه و حقوق اسلامی مورد توجه فقها قرار گرفته، مسئولیت کیفری کسی است که صحنه قتل را مشاهده می کند و با وجود توان بر نجات جان مقتول، هیچ گونه اقدامی انجام نمی دهد. اصطلاح فقهی که در خصوص چنین فردی به کار می رود «ناظر» است. نظارت صحنه قتل ممکن است به دو صورت تحقق پیدا کند، یکی به صورت دیدبانی و دیگری به صورت صرف تماشا. در صورت اول چون بین قاتل و ناظر نوعی همکاری و مساعدت وجود دارد، عنوان معاونت در قتل صدق می کند. لذا فقهای اسلامی نیز این صورت را تحت عنوان معاونت در قتل مورد بحث قرار داده اند. در حقوق کیفری ایران و افغانستان حکم روشنی در این زمینه وجود ندارد. اما از ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ایران و ماده ۵۸ و ۵۹ کد جزای افغانستان می توان چنین استنباط کرد که ناظر دیدبان حکم معاون را دارد. تفاوتی که در این خصوص بین آرای فقها و حقوق کیفری ایران و افغانستان وجود دارد، این است که مجازات ناظر دیدبان در فقه امامیه کور کردن چشم است و با سایر معاونت ها متفاوت است. اما در حقوق کیفری ایران و افغانستان نه تنها مجازات مشخصی در مورد ناظر دیدبان پیش بینی نشده، بلکه هیچ نوع تفاوتی بین او سایر معاونت ها نیز در نظر گرفته نشده است.

اما در صورتی که ناظر نقش دیدبانی را نداشته باشد، بین فقها در خصوص صدق عنوان معاونت و عدم آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی قائل به عدم مسئولیت مطلق ناظر غیر دیدبان اند و برخی دیگر قائل به مسئولیت مطلق. اما گروه سوم بین حالتی که ناظر غیر دیدبان وظیفه قانونی در قبال مقتول داشته باشد یا خیر تفاوت قائل شده اند. در صورتی که ناظر غیر دیدبان مسئولیت قانونی حفاظت از مقتول را به عهده داشته باشد، تردیدی وجود ندارد که هم به لحاظ فقهی، هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ عرفی مسئولیت کیفری داشته و قابل مجازات هست. اما در صورتی که وظیفه قانونی نداشته باشد، باید بین حالات مختلف تفاوت قائل شد. بدین صورت که اگر بین نظارت مرتکب و تحقق نتیجه جرم رابطه علیت و سببیت اعم از علیت نزدیک و بعید وجود داشته باشد، عنوان معاونت در قتل صادق بوده و قابل مجازات هست. ولی در صورتی که چنین رابطه علیتی وجود نداشته باشد،





مشکل است بتوان حکم به مسئولیت کیفری ناظر داد. هرچند که در این فرض نیز برخی از فقها از باب تسبیب و یا ارتکاب حرام قائل به مسئولیت کیفری ناظر هستند. اما قانون‌گذار ایران و افغانستان در این مورد سکوت نموده حکم روشنی بیان نکرده است. لذا بهتر است قوانین کیفری ایران و افغانستان در این خصوص بازنگری و مقررات آن با احکام فقهی همسان‌سازی شود.

فهرست منابع

۱. ---، (۱۳۹۸)، شرح کد جزای افغانستان، کابل: نشر بنیاد آسیا.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
۳. بجنوردی، سید محمد، (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، تهران: عروج.
۴. تبریزی، جواد، (۱۴۲۶)، تنقیح مبانی الاحکام - کتاب قصاص، قم: دارالصدیقه الشهیده.
۵. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم: امام صادق.
۶. حلی، محمدبن حسن، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: نشر اسلامی.
۷. سالار، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۳۰۴)، المراسم العلویه و الاحکام النبویه، قم: نشر الحرمین.
۸. شوشتری، سید محمد حسن، (۱۴۲۷)، دیدگاه های نو در حقوق، تهران: میزان.
۹. شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۰. شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۱. صدوق، محمدبن علی، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم: نشر اسلامی.
۱۲. علامه، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم: انتشارات امام صادق.
۱۳. علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۶ ب)، حقوق جزای عمومی افغانستان، کابل: انتشارات امیری.
۱۴. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و کریمی، اسحاق، (۱۳۹۸)، «مجازات معاونت به گونه امساک در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، صص ۱۴۷ - ۱۷۲.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۲)، موجبات ضمان، تهران: میزان.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: انتشارات اسلامی.





۱۷. مدنی، یوسف، (۱۴۱۷)، کتاب القضاء، قم.
۱۸. مراغی، میرعبدالفتاح، (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳)، المقنعه، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷)، استفتائات جدید، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب.
۲۱. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۶)، جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.
۲۲. نبوی، نعمت‌الله، (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی افغانستان، کابل: نشر واژه
۲۳. نوذری فردوسی، محمد؛ رستمی قفس آبادی، علیرضا و جهانی، محمد، (۱۴۰۱) «بازپژوهی فقهی مسئولیت کیفری ناظر غیردیدبان در جنایت قتل عمد»، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۸، شماره ۶۸، صص ۱۷۰-۱۹۴.